

نقش شاگردان ائمه (ع) در گسترش تشیع در افغانستان

چکیده

□ سلطان حسین نوری *

از آن جایی که مذهب تشیع هم زمان با ورود اسلام به خراسان بزرگ (افغانستان کنونی) در دوره «خلفای نخستین» وارد این سرزمین گردیده و به تدریج گسترش و توسعه پیدا کرده است. و از طرفی دیگر باتوجه به اینکه ائمه معصومین (ع) خود تحت فشار حکام جور اموی و عباسی قرار داشتند باتریت شاگردان و راویان احادیث، جهت انتشار و گسترش در مناطق مهم جهان اسلام اهتمام ورزیدند، یکی از این مناطق سرزمین خراسان بزرگ دوره اسلامی با حوزه های مهم مانند بلخ، هرات و سیستان است که از جمله برکات حضور این شخصیت ها آشنا نمودن مردم این سامان با معارف اهل بیت (ع) است، این تعامل موجب شد که مردم خراسان (افغانستان کنونی) به سراغ سرچشمه های اصلی بروند و از زلال علم، دانش و معارف اوصیای برحق پیامبر (ص) بدون واسطه بهره مند گردند، لذا با مراجعه به منابع کتب رجالی، حدیثی و تاریخی شاهد حضور تعداد قابل توجهی از شیعیان خراسانی هستیم که با عناوین سیستانی، بلخی هروی، زابلی، کابلی و... که با آن شرایط سیاسی موجود نزد ائمه (ع) حضور یافته، افتخار مصاحبت، ملازمت و تلمذ و نقل روایت از امامان معصوم (ع) را پیدا کرده اند. وسیله ارتباط با امام را با شیعیان و تغذیه فکری آنان فراهم آورده و در مرحله بعد موجب ترویج و گسترش تشیع در منطقه خود بودند، به عنوان نمونه در این تحقیق ذکر گردیده است، البته ناگفته نماند اصحاب و شاگردان ائمه (ع) از این سرزمین به این افراد محدود نمی شود.

واژگان کلیدی: افغانستان، تشیع، اصحاب ائمه معصومین (ع)، خراسان بزرگ.

مقدمه

ائمه معصومین(ع) به عنوان هادیان راستین الهی و مفسرین دین اسلام و همتای قرآن، مسئولیت هدایت جامعه اسلامی و دور کردن مسلمانان از انحراف و بدعت‌ها را بر عهده داشتند و این وظیفه الهی دست کم از روز عید غدیر و با نزول آیه تبلیغ و اكمال دین (مانده، ۳ و ۶۷) آغاز و امام علی(ع) به عنوان عدل قرآن و جانشین پیامبر اکرم(ص) و مبیین و مفسر اسلام بعد از پیامبر(ص) معرفی گردید و از مردم بیعت گرفته شد. گرچه پیمان شکنی و در انزوا قرار دادن امام علی(ع) به مدت ۲۵ سال بعد از پیامبر(ص)، ظلم و ضربه بزرگی به اسلام ناب و مکتب اهل بیت(ع) بود؛ اما ائمه(ع) چه آن زمان که حاکمیت داشتند مانند دوران چهار سال و اندی حکومت و خلافت ظاهری امام علی(ع) و امام مجتبی(ع)، و چه آن زمان که از قدرت برکنار بودند، در همه جا و در همه حال هم جایگاه و حقانیت خود و غاصب بودن خلفا را برای مسلمانان بیان می‌کردند و هم مسائل جامعه و جهان اسلام را رصد نموده و به مقتضای آن موضع مناسب اتخاذ می‌نمودند و صراط مستقیم را به ایشان نشان می‌دادند و هم با ابزارها و راه‌های موجود، ارتباط خود را با شیعیان در اقصی نقاط محدوده خلافت اسلامی برقرار می‌کردند. در نهایت، حاصل و نتیجه مجموعه فعالیت‌های ائمه(ع) گسترش تشیع و مکتب اهل بیت(ع) بوده است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های که ائمه(ع) از آن برای ترویج و گسترش تشیع استفاده نمودند، تربیت شاگردان از بلاد مختلف اسلامی بود، البته با توجه به فضای خفقان و نامناسب آن دوران، ایشان یاران خود را به تقیه سفارش می‌کردند تا از خطرات احتمالی حاکمان جور در امان باشند، لذا در میان اصحاب و یاران ائمه(ع) کسانی بودن که در سلک خرما فروش، آرد فروش و یا درزی اصناف دیگر با امام ارتباط داشتند.

منابع حاکی از آن است، دست کم از زمان امام سجاد(ع) به بعد که راهبرد ائمه(ع) از برنامه‌های کوتاه مدت سیاسی و نظامی به راهبرد دراز مدت سیاسی - فرهنگی و ایجاد پایگاه‌های اجتماعی - فرهنگی وسیع و تربیت نیروی انسانی آگاه و دانشمند و معتقد، تغییر یافت و این تغییر روی کرد راهبرد، فرآیند فوق را از نظر کمیت و کیفیت توسعه بخشید.

اینک به معرفی اجمالی و گذرای بعضی از اصحاب و یاران سرشناس ائمه معصومین(ع) که موجب اعتلای اسلام و مکتب حقه اهل بیت(ع) در سرزمین خراسان گردیدند، می‌پردازیم. که در قسمت اول به اصحاب و یاران ائمه(ع) از دوران امام علی(ع) تا پایان امام صادق(ع) و در قسمت دوم از دوران امامت امام کاظم(ع) تا پایان غیبت صغری امام زمان(عج) پرداخته خواهد شد.

الف) اصحاب ائمه(ع) از دوران امام علی(ع) تا پایان امامت امام صادق(ع)

از اصحاب و یاران ائمه معصومین(ع) از دوران حاکمیت و امامت امام علی(ع) تا پایان امامت امام صادق(ع)، افراد شاخصی را می‌توان در این سرزمین نام برد که باعث گسترش تشیع در این منطقه از جهان اسلام گردیدند.

شریح بن هانی در سیستان

از جمله اصحاب و شاگردان ائمه(ع) شخصی به نام «شریح بن هانی» است، ایشان از جمله از اصحاب پیامبر اکرم(ص) و به اتفاق شیعه و سنی از یاران مخلص و از جمله شاگردان امام علی(ع) بوده، (ابن سعد، ج ۶، ص ۱۸۰، ذهبی، ۱۴۱۳.ق، ۴، ص ۱۰۷) که به دستور آن حضرت وارد سرزمین خراسان منطقه سیستان شده و به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و نشر احادیث اهل بیت(ع) پرداخته است. (طبری، ۱۴۰۷.ق، ۵، ص ۶۹، ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹.ق، ۲، ص ۳۶۸).

ایشان علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی پرچمدار مبارزه با خوارج بود و تا سال ۷۸ هجری قمری در سرزمین سیستان سکونت داشت و در همان سال در راه مبارزه و پیکار جان خود را از دست داده و در ۱۲۰ سن سالگی به شهادت رسید. (ذهبی، ۱۴۱۳.ق، ۵، ص ۵۴) در منابع شیعی روایاتی متعدد از ایشان نقل شده است. (ابن هلال ثقفی، ۱۳۹۵.ق، ۲، ص ۳۹۲). هرچند در منابع رجالی شیعه از وی نامبرده نشده و مورد جرح و تعدیل قرار نگرفته است، چنانچه در معجم رجال الحدیث مرحوم خوبی(ره) ایشان از اصحاب و شاگردان امام

علی (ع) دانسته شده؛ ولی متعرض جرح و تعدیل نشده است. (موسوی خویی، ۱۴۰۳ق. ۹، ص ۱۸)

اما طبق شواهد و قرائن، می‌توان به روایت وی اعتماد کرد؛ اولاً: وی بارها از سوی امام علی (ع) به عنوان فرمانده لشکر آن حضرت، علیه مخالفان ایفای نقش کرده است. ثانیاً: ذهبی که خود از استوانه‌های رجال اهل سنت است، وی را از اصحاب و نزدیکان امام علی (ع) برشمرده است. (شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، ۴، ص ۱۰۷)

ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم در بلخ

از دیگر یاران و اصحاب سرشناس ائمه (ع) در سرزمین خراسان، ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم بلخی (م. ۱۰۲/۱۰۵/۱۰۶ه.ق)، از بزرگان تفسیر و از تابعین است. (ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، ۱۴۲۰ق ص ۱۱۶). ظاهراً ابن عباس، سعید بن جبیر، (شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله الرومی الحموی، ۱۴۱۴ه.ق، ۴، ۱۴۵۲). ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابن عمر و غیره را درک کرده و از آن‌ها حدیث نقل کرده است. (محمد بن احمد ذهبی، ۱۴۱۱ه.ق، ص ۱۷۷). طبق نقل برخی منابع، وی امام علی (ع) را دیده و از آن حضرت قصه ازدواج اش با فاطمه زهرا (س) را شنیده و روایت کرده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ه.ق، ۴، ص ۲۷۸). بعضی‌ها طبق استناد همین منبع ایشان را جزو اصحاب امام علی (ع) شمرده است، (عبدالمجید ناصری داوودی، ص ۱۶۹). و در منابع شیعه از اصحاب امام سجاد (ع) شمرده شده است. (محمد بن علی ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ه.ق، ۴، ص ۱۷۷). در بعضی منابع آمده، ضحاک اصالتاً از مردم کوفه بود. (ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، ص ۱۰۹). که برای جهاد به مناطق شرقی کشور اسلامی آمد، چنانچه بلاذری می‌نویسد: «زمانی که قتیبه بن مسلم در سال ۸۷ه.ق، با مردم سمرقند جنگ کرد و در نهایت صلح مشروط را بر آنها تحمیل کرد؛ جماعتی از مسلمانان را در شهر به جا گذاشت که ضحاک بن مزاحم صاحب تفسیر از شمار آن‌ها بود.» (احمد بن یحیی بلاذری، ص ۴۰۷). این بود که ایشان زمان طولانی را در بلخ به سربرد. (محمد بن احمد ذهبی، ۴، ص ۵۹۸، ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۲۲۳، ابن سعد، ۶، ص ۳۰۲). و بسیاری از

منابع تصریح دارند که وی مدرسه بزرگی داشته است که در آن سه هزار دانش آموز پسر (ابن هلال ثقفی، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۲۴۰، یوسف مزی، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۳، ص ۲۹۵) و هفتصد دختر مشغول تحصیل بوده‌اند. (عمر بن محمد، نسفی، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۲۶۹، مهدی رحمانی ولوی و منصور جغتای، ۱، ص ۴۶۴) بدیهی است که تربیت و پرورش این حجم بالای شاگرد و تحویل آن‌ها به جامعه اسلامی، بیانگر نقش برجسته او در ترویج و گسترش تشیع در منطقه است. احتمالاً شاگردان او در مکتب خانه‌های متعدد حضور می‌یافتند و از وی استفاده می‌کردند. زیرا برخی آورده‌اند که او برای سرکشی از آن‌ها سوار الاغش می‌شد و جهت سرکشی از آن مکتب خانه‌ها به مناطق مختلف سفر می‌کرد. (شمس‌الدین عبدالله محمد بن احمد ذهبی، بی‌تا، ۱، ص ۹۴، یوسف مزی، ۱۳، ص ۲۹۵) خیرالدین زرکلی در کتاب الاعلام او را از جمله مفسران و از مریبان خاص جهان اسلام آورده است. (خیرالدین زرکلی، ۱۹۸۶ م، ۳، ص ۲۱۶).

بنابراین، ضحاک نخستین مکتب خانه جهان اسلام را در شهر بلخ برای آموزش کودکان و نوجوانان شیعه تأسیس کرد، که خود عامل مهم در ترویج و گسترش تشیع در سرزمین خراسان خصوصاً شهر پرآوازه بلخ است.

وردان ابو خالد کابلی

یکی دیگر از شاگردان سرشناس و پرآوازه ائمه معصومین(ع) وردان ابو خالد کابلی ملقب به کنکر، از اصحاب و یاران خاص امام سجاد(ع) است.

یکی از رجال‌شناسان در مورد ابو خالد کابلی می‌نویسد:

«ابو خالد کابلی از خادمان محمد حنفیه بود و شک نداشت که او امام است تا این که روزی او را قسم داد، امامی که اطاعتش واجب است شما می‌دانید؟ محمد حنفیه جواب داد امام، علی ابن الحسین(ع) است. ابو خالد از آن جا به خانه امام سجاد(ع) آمد و از آن به بعد خدمت امام سجاد(ع) را می‌کرد» (کشی، بی‌تا، ص ۲۰۴).

ابو خالد کابلی بعد از آن که مدتی زیاد خدمت امام سجاد(ع) بود، به سرزمین پدریش «کابل» برگشت، چنان‌که در رجال کشی آمده است: ابو خالد، بعد از چند سالی که خادم با وفای امام

سجاد(ع) بود؛ دلش برای پدر و مادر و فامیلینش تنگ شد، خدمت امام سجاد(ع) آمد عرض حال کرد، امام فرمود فردا مردی ثروت مندی از شام می‌آید که دختری مریض دارد، به آن مرد بگو دخترت را شفا می‌دهم به شرطی که ده هزار درهم بدهی و... تا اینکه دختر شفا پیدا کرد و ابوخالد به کشورش برگشت. (حسن طوسی، ص ۱۹۳، حر عاملی، ۱۴۲۲ ق، ۴، صص ۷۳ - ۷۲).

مسلماً ابوخالد که سال‌ها در خانه‌ی امام سجاد(ع) خدمت‌گزار بود، در واقع تربیت یافته آن حضرت بود و آشنای کامل با شخصیت الهی ائمه(ع) داشت، وقتی به کابل برگشت، همراه با آگاهی از مقام امام معصوم و آشنایی با اسلام راستین بود که وجود چنین شخصیت شیعی در کابل سبب تقویت و گسترش شیعه و محبان اهل بیت(ع) در این سرزمین خواهد بود.

امام باقر(ع) فرموده است: بعد از شهادت امام حسین(ع) مردم مرتد شدند و از دین خارج شدند مگر سه نفر که عبارت بودند: از ابوخالد کابلی و یحیی بن ام‌طویل و جبریل بن مطعم، سپس مردم به این‌ها ملحق شدند و زیاد شدند. (عن ابی عبدالله(ع) قال ارتد الناس بعد قتل الحسين(ع) إلا ثلاثة ابوخالد الكابلی و یحیی ابن أم الطویل و جبریل بن مطعم ثم إن الناس لحقوا و كثروا، طوسی، ص ۱۹۴) در این روایت امام باقر(ع) شخصیت بر جسته‌ی ابوخالد کابلی را تبیین کرده است و جالب اینجاست که امام می‌فرماید؛ مردم به این‌ها ملحق شدند و این‌ها موجب جذب مردم به اسلام و تشیع شدند. طبعاً وقتی ابوخالد به کابل برگشته است سبب شده است تا مردم را به اسلام ناب، محبت اهل بیت(ع) و تشیع جذب نماید. بدین جهت است که بعد از مدتی سرزمین کابل یکی از مناطقی است ائمه(ع) در آنجا وکیل یا وکلای داشته‌اند. (کشی، صص ۱۱۵-۱۱۳، جباری، ۱۳۸۲ش، ص ۱۴۳).

همین‌طور فرزندش هارون بن ابوخالد کابلی که از اصحاب امام صادق(ع) است که باز شهادی بر گسترش تشیع در قرن نخست در خراسان و شهر کابل می‌باشد. (طوسی، ص ۳۱۸).

مقاتل بن سلیمان ابوالحسن بلخی

یکی دیگر از اصحاب و یاران سرشناس ائمه معصومین(ع) در سرزمین خراسان، مقاتل بن سلیمان ابوالحسن بلخی (م. ۱۵۸ ه.ق.) (معروف به ابن جوالدوز یا دوالدوز) است، ایشان از

راویان و مفسرین و از طبقه هفتم روایت به شمار می‌آید که محل ولادتش را در بلخ ذکر کرده‌اند، (ابن حجر عسقلانی، ۲، ص ۲۴۹، ابن خلکان البرمکی الإربلی، ۱۹۷۱ م. ۵، ص ۲۵۵). مقاتل بن سلیمان بعد از مدتی از بلخ به بصره آمد و آنجا ساکن شده و از آنجا به بغداد رفته و به نقل حدیث پرداخته است. (سمعانی، ۲، ص ۳۳۷).

منابع رجالی و روایی مقاتل را از اصحاب امام باقر و امام جعفر صادق(ع) به شمار آورده‌اند. طوسی، صص ۱۴۶ و ۳۰۶. وی یکی از برجستگان عصر خویش در علوم مختلف بوده و به علم لغت، قرائت و تفسیر تبحر داشته چنانچه وی را از بزرگان و اعلام مفسران دانسته‌اند، ایشان آثار مختلفی داشته‌اند که عبارتند از: الوجوه و النظائر، الناسخ و المنسوخ، تفسیر قرآن، الرد علی القدریه، الاقسام و اللغات، الآیات المتشابهات و القرانات. که عبدالله بن مبارک تفسیر وی را بهترین تفسیر دانسته است. (کشی، ۲، ص ۶۸۱).

وی علاوه بر آثار یادشده، حوزه درسی نیز داشته و بسیاری از علوم را که تبحر داشته، تدریس می‌کرده است، مسجد جامع بلخ را به عنوان پایگاه درسی، فعالیت علمی و فرهنگی قرار داد و به تربیت شاگردان و انتقال علوم پرداخت. یکی از محققان نوشته است:

مقاتل بن سلیمان بلخی متوفای ۱۵۸ هـ.ق، است که در مسجد جامع بلخ، تفسیر و کلام و احادیث را در اوایل قرن دوم درس می‌گفت و امام شافعی گفته بود که «الناس کلهم عیال علی بن مقاتل فی التفسیر» و یک نسخه خطی تفسیر وی در کتابخانه‌ی توپ قاپوسرای استانبول موجود است. (جمعی از محققان، ص ۱۱).

در کتب معتبر شیعه و آثار شیخ الطائفه ذکر بسیار از او می‌آید و مخصوصاً در تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی عالم بزرگ شیعه (متوفای ۵۴۸ هـ.ق) از تفسیر مقاتل مطالبی موجود است و اکثر مفسران قدیم، اقتباس‌های از او دارند. (جمعی از محققان، همان) مسلماً وجود همچون شخصی مانند ایشان، باعث انتشار و گسترش تشیع در سرزمین خراسان گردید.

حریز بن عبدالله سجستانی

از جمله دیگر افراد سرشناس و از جمله اصحاب و یاران ائمه(ع) در سرزمین خراسان می‌توان به

حریز بن عبدالله سجستانی اشاره کرد، حریز از یاران امام صادق(ع) بود که در سلک تجارت روغن به نشر معارف تشیع امامی در نواحی سیستان پرداخت، حریز از فقهای به‌نام شیعه و از اصحاب معروف امام صادق(ع) و ثقة است. (طوسی، ۱۳۴۸ ه.ش، ص ۸۵) به همراه پدرش، عبدالله بن الحسین که قاضی وقت سیستان بود. (یوسف بن عبدالرحمن مزنی، ۱۴۰۰ ه.ق، ص ۴۲۲، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۹۹۵ م، ۴، ص ۸۲) و در آن‌جا اصحاب و یارانی داشته است. (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۲۷۰). و بیش از پنجاه نفر از او نقل حدیث کرده‌اند. (خویی، ۱۴۳۰ ه.ق، ۴، ص ۲۶۲-۲۵۰). با توجه به همین فعالیت بود که از آن پس، افرادی از سیستان خدمت امام صادق(ع) می‌رسیدند و مشکلات خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند و آن حضرت به سؤال‌های آنان پاسخ می‌داد. (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵، ص ۲۵۳).

حریز از بزرگ‌ترین راویان و فقیهان شیعی بوده و احادیث فراوانی از ایشان نقل شده است، مرحوم خویی از حریز سجستانی به نکویی یاد نموده و معتقد است ۲۳۲۰ روایات از وی در کتاب‌های حدیثی شیعه وجود دارد؛ چنان‌که حدود ۱۷۰ روایت از روایات امام باقر و امام صادق(ع) را به صورت مستقیم و سایر احادیث را از بزرگانی مانند: ابو ابراهیم، ابواسامه و ابوبصیر و زراره نقل کرده است. (موسوی خویی، ۴، صص ۲۵۴-۲۵۳).

حریز یکی از شخصیت‌های علمی است که در آن زمان آثار علمی زیادی داشته است. از آثار ایشان کتاب الزکاه، کتاب الصلاة، کتاب الصیام و کتاب النوادر در منابع اسلامی ضبط شده است. (ابن ندیم، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۲۷۷) و جالب است که کتاب حریز در زمان امام صادق(ع) نیز دارای اعتباری بالایی بوده و بین شاگردان امام صادق(ع) به خوبی شناخته شده بود و امام(ع) نیز اعتبار آن را تأیید می‌کردند؛ مانند این مورد که حمّاد می‌گوید:

«امام جعفر صادق(ع) به من فرمودند: آیا خوب می‌توانی نماز بخوانی؟ عرض کردم مولایم! من از کتاب حریز بن عبدالله را که در باب نماز نوشته است، حفظ کرده‌ام. حضرت در پاسخ فرمودند: باکی بر تو نیست! بلند شو و نماز بخوان» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳، ص ۳۱۱). مرحوم صدوق نیز در کتاب من لایحضره الفقیه بر این مسأله صحه گذاشته و می‌نویسد: «به کتاب حریز اعتماد دارم.» (ابن بابویه صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱، ص ۳).

حریز، علاوه بر بیان احکام و تبیین معارف اسلامی که از ائمه(ع) نقل می‌کرد، خود نیز صاحب فتوا بود؛ که مستند قبلی شاهد بر مدعای ماست و همچنین نوشته‌اند که عده‌ای از خوارج که در سیستان حضور داشتند و حضرت علی(ع) راست می‌کردند، شیعیان از این رفتار شنیع آنان آگاهی پیدا کردند، نزد حریز آمدند و حکم را از حریز پرسیدند و از وی اجازه گرفتند این افراد را به قتل برسانند، حریز چون این افراد را ناصبی می‌دانست، به قتل آنان فتوا داد. (موسوی خویی، ۴، ص ۲۵۲).

حریز با توجه به همین مودت و دوستی خاندان پیامبر اکرم(ص) در زمان امام صادق(ع) بود که در سیستان جام شهادت نوشید، شیخ مفید در مورد شهادت او چنین نگاشته است:

«حریز بن عبدالله به سجستان رفت و در آنجا شهید شد، سبب کشته شدنش این بود که او در آنجا به عنوان رهبر گروهی از شیعیان مطرح بود. این بود که خوارج، حریز و یارانش را که در مسجدی جمع شده بودند، محاصره کردند و مسجد را به روی آنان خراب کردند و همه‌ی آنان را به شهادت رساندند، خداوند آن‌ها را رحمت کند.» (مفید، ۱۴۱۳ه.ق، ص ۲۰۷).

ابوعاصم عمار بن عبدالحمید سجستانی

عمار بن عبدالحمید ابوعاصم السجستانی یکی دیگر از اصحاب امام صادق(ع) است که از آن امام(ع) به صورت مستقیم روایت نموده است. (موسوی خویی، ۲۲، صص ۲۲۱-۲۲۰). توسط ایشان خاندان محدث‌پرور «نجاشی» شیعه امامی می‌شوند، (در گام اول عبدالله بن نجاشی که شیعه زیدی بود مستبصر گردید.) داستان شیعه امامی شدن عبدالله بن نجاشی در کتاب کافی و نیز در منابع دیگر حدیثی و رجالی شیعه به نقل از ابوعاصم سجستانی روایت می‌شود که چگونه «عبدالله بن نجاشی» با معرفی شدن توسط ابوعاصم به محضر امام جعفر صادق(ع) شیعه امامی گردیده است. (کلینی، ۱۰، ص ۷۶۷).

مقاتل بن حیان بلخی

از جمله اصحاب امام صادق(ع) می‌توان به مقاتل بن حیان بلخی نام برد، کنیه‌اش ابویسحاق و معروف به بلخی، نبطی و خراسانی است، ایشان در بلخ متولد شده و در ابتدا به امر تجارت خز

(نوعی پارچه ابریشمی) مشغول بود، در ایام ابومسلم خراسانی حدود سال ۱۳۲ ه.ق به کابل فرار کرد و از آنجا مردم آن سامان را بدین اسلام دعوت می‌کرد، بعد از دعوت مردم به دین اسلام سپس نهایتاً در شهر بلخ برگشت. (ذهبی، ص ۳۴۰، ابن حجر عسقلانی، ۲، ص ۲۱۰).

در منابع شیعه، مقاتل بن حیان بلخی را از اصحاب و یاران امام صادق(ع) ذکر شده. (طوسی، ص ۳۱۰، سیدابوالقاسم خویی، ۱۹، ص ۳۳۷). منابع اهل سنت نیز مقاتل را یکی از راویان و مفسرین بزرگ اهل سنت به شمار می‌آید. (ذهبی، ۶، ص ۳۴۰). او را ثقه، صدوق و معتبر می‌دانند. (یوسف مزی، ، ۱۴۰۰ق - ۱۹۸۰م. ۲۸، ص ۴۳۲).

صرف نظر از شیعه و یاسنی بودن مقاتل، ایشان به عنوان یکی از اصحاب امام صادق(ع) محسوب شده، ضمن این‌که ایشان در شهر مهم بلخ به انتشار و گسترش اسلام تلاش می‌کرد، تلاش‌های ایشان در انتشار اسلام در سرزمین و منطقه کابل بر کسی پوشیده نمانده است.

و از جمله اصحاب سرشناس دیگر ائمه معصومین(ع) در همین دوران می‌توان به، خارجه بن مصعب خراسانی، زیاد بن سعد خراسانی، زهیر بن محمد خراسانی، ابراهیم بن ابی محمود خراسانی، ابوالفضل خراسانی، اشاره کرد. (طوسی، صص ۳۴۳، ۱۱۷، ۱۶۲، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۴، نجاشی، ۱۴۱۸ق، صص ۱۳۹-۱۸۹) که عمدتاً از بلخ و طالقان و جوزجان و مرو و نیشابور و هرات بودند، فعالیت‌های مؤثری جهت گسترش تشیع در حوزه خراسان انجام دادند.

نکته دیگر اینکه افراد ذکر شده به صورت فردی در محضر امام رسیده و کسب فیض نموده است، چه بسا افرادی بودند که به صورت گروهی محضر امام(ع) می‌رسیدند، چنانچه امام صادق(ع) مبلغانی را به صورت گروهی به خراسان اعزام نموده و با فعالیت آنان جمعی از مردم خراسان به تشیع گرویده و نمایندگان ایشان به حضور امام صادق(ع) رسیده‌اند. (ابن فروخ صفار، ۱۳۶۲ه.ش، ص ۲۴۶). ابوحمزہ ثمالی نقل می‌کند که گروهی از مردم خراسان دور آن حضرت را گرفته و درباره مناسک حج از آن حضرت می‌پرسیدند. (مجلسی، ۱۰، ص ۱۵۴). عبدالله بن مسکان می‌گوید: «شاهد حضور گروهی از خراسانیان بودم که نزد امام صادق(ع) آمده و درباره فضیلت زیارت قبر امام حسین(ع) پرسش می‌کردند.» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ه.ق، ص ۱۴۵).

ب) اصحاب ائمه(ع) از دوران امام کاظم(ع) تا عصر غیبت صغری

از دیگر اصحاب و یاران ائمه(ع) از افغانستان از عصر امام کاظم(ع) تا زمان غیبت صغری امام زمان(عج) که با ائمه(ع) ارتباط داشتند و افتخار شاگردی در محضر ائمه معصومین(ع) داشته و از اصحاب و یاران ائمه(ع) محسوب می‌شدند، افرادی به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که از جمله:

شقیق بن ابراهیم بلخی

شقیق بن ابراهیم بلخی (م. ۱۹۴/۱۹۰/۱۷۴/۱۵۳ هـ.ق) که در بلخ متولد شده است و از بزرگان و مشایخ و بنیان‌گذاران تصوف در خراسان می‌باشد و مردی زاهد و پرهیزگار بوده است، می‌توان نام برد. (ذهبی، ۹، ص ۳۱۳). در منابع شیعه و مناقب ائمه(ع) او را از شاگردان امام کاظم(ع) معرفی نموده و همچنین فیض حضور حضرت امام محمد باقر(ع) را داشته است و جزء شاگردان امام صادق(ع) نیز می‌باشد. (شیخ عباس قمی، ۱۳۵۷ هـ.ش، ۲، ص ۴۱). شقیق بلخی سرانجام در سال ۱۹۴ هـ.ق، در جنگ کولاب یا کولان (شهری است در ماوراءالنهر از توابع ختلان بین شومان (دوشنبه کنونی) و واشجرد.) که بین عرب‌ها و بومیان به وقوع پیوست، در ماوراءالنهر به شهادت رسید و در همان‌جا دفن گردید. (ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، ۱۳۸۳ هـ.ق، ص ۲۳۲). برخی نیز مرگ او را در سال ۱۷۴ هـ.ق، و دلیل آن را شیعه بودنش ذکر کرده‌اند، (شوشتری، ۱۳۶۵ هـ.ش، ۲، ص ۲۴) چنان‌چه شیخ طوسی می‌نویسد: «شقیق بن ابراهیم علی بلخی از فقیهان و عالمان خراسان بود که به دست ناصبی‌های ماوراءالنهر به جرم رافضی بودن به شهادت رسید.» (طوسی، همان) بنابراین فرض، او در ختلان دفن گردیده است. (شوشتری، ۲، ص ۲۴، موسوی خوانساری، ۱۳۹۱ هـ.ق، ۴، ۱۰۷-۱۰۶).

شقیق علاوه بر زهد و تقوایی که داشته است، منابع شرح آن را بدین شکل نوشته‌اند: شقیق سیصد هزار درهم داشت، آن جمله را گذاشت، پشمینه اختیار کرد و با مجالست و صحبت فقرا آرام گرفت. (واعظ بلخی، ۱۳۵۰ هـ.ش، ص ۱۳۰، ابوعبدالله محمد بن احمد الذهبی، ۱۹۹۳ م، ۱۳، ص ۲۲۸). برخی دیگر با سند متصل از علی بن محمد بن شقیق (نوه شقیق) روایت شده است

که برای جدم شقیق سیصد قریه و مکان دارای منازل زیادی بود ولی بدون کفن از دنیا رفت. (ذهبی، ۹، ص ۳۱۳). تألیفاتی منسوب به او نیز ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به «مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه» اشاره کرد، هرچند علامه مجلسی صحت آن را مورد تردید قرار داده، اما آقابزرگ تهرانی این کتاب را از آن شقیق بلخی می‌داند. (مجلسی، ۱، ص ۳۲، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۲۱، ص ۱۱۱). محدث نوری به تفصیل از آن دفاع کرده و آن را معتبر می‌داند. (آقابزرگ تهرانی، ۲۱، ص ۱۱۰).

محول سجستانی

از دیگر افراد و اصحاب ائمه (ع) در سرزمین خراسان می‌توان از شخصی به نام محول سجستانی از باران و اصحاب امام رضا (ع) در خراسان نام برد. (ابن بابویه صدوق، ۲، ص ۲۱۸). صدوق از او روایت کرده است که محول سجستانی می‌گوید: «زمانی که برای بردن امام رضا (ع) به خراسان از جانب مأمون پیکی به مدینه آمد، من در آن جا بودم. امام به منظور وداع از رسول خدا (ص) وارد حرم شد، او را دیدم که چندین بار از حرم بیرون می‌آمد و دوباره به سوی مدفن پیامبر (ص) باز می‌گشت و با صدای بلند گریه می‌کرد، من به امام نزدیک شدم و سلام کردم و علت این موضوع را از امام جويا شدم، امام (ع) در جواب فرمود: «من از جوار جدم بیرون رفته و در غربت از دنیا خواهم رفت و در کنار قبر هارون الرشید دفن می‌شوم» و محول سجستانی در ادامه گفته است: من همراه امام به طوس آمدم تا اینکه امام از دنیا رفت و در کنار قبر هارون دفن شد. (ابن بابویه صدوق، ص ۲۱۸). از اینکه امام اسرار شهادت خود را به محول گفته است برمی‌آید که به او اطمینان کامل داشته است.

عبیس بن هاشم

یکی دیگر از اصحاب و باران خاص امام رضا (ع)، عبیس بن هاشم است، (طوسی، ص ۳۶۲). ایشان از شاگردان و راوی کتاب یکی از راویان شیعه و از اهالی سُنج (روستای از توابع بامیان) به نام ابوهارون سُنجی که خود دارای کتاب روایی بوده که قبل از امام رضا (ع) در شهر مرو می‌زیسته، بوده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳۹). مسلماً وجود همچون اشخاصی در

شهرهای شیعه‌نشین همچون مرو و شهر باستانی بامیان (که اون روزها از توابع منطقه تخارستان بلخ) بوده، شهر مرو و بامیان در سال ۲۳ هـ.ق، توسط یکی از سرداران خوشنام و فاتحان خراسان به نام احنف بن قیس از محبین و ارادتمندان امام علی(ع) فتح گردیده بود، باعث انتشار و گسترش تشیع در آن نواحی گردیدند.

ابوصلت هروی

از دیگر صحابه سرشناس و پرآوازه و خوش نام ائمه معصومین(ع) و امام رضا(ع) ابوصلت هروی است، اسم عبدالله، کنیه ابوصلت و ابو عبدالله، القابش هروی، قرشی و خراسانی، از علماء بزرگ و راویان مشهور شیعی، هم عصر احمد بن حنبل و از طبقه نهم یا دهم محدثان می‌باشد، او را از اصحاب، شاگردان، راویان و خادم امام رضا(ع) و امام جواد(ع) ذکر نموده‌اند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۴۵، طوسی، صص ۳۶۲-۳۶۰). ابوصلت در منابع شیعه، تمجید و ستایش شده است که به اتفاق او را ثقه، صدوق محب آل البیت(ع) و از اصحاب، راویان، شاگردان و محرم اسرار حضرت امام رضا(ع) می‌دانند، علمای شیعه او را از راویان فضائل ائمه اطهار(ع) به خصوص حضرت علی(ع) و علاقه‌مندان و شیفتگان خاندان پیامبر(ع) و دشمن دشمنان آنان می‌شمارند. (نجاشی، ص ۲۴۵). و در بین منابع شیعه فقط شیخ طوسی او را عامی می‌داند و آن هم بخاطر که اباصلت با علمای اهل سنت رفت و آمد داشته و احدی از خلیفه اول و دوم نقل کرده است. (طوسی، ص ۳۶۰). چنانچه از وی نقل شده است که: «سگ علویان از تمام بنی امیه بهتر می‌باشد.» (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ.ق، ۲، ص ۶۱۶).

و در منابع اهل سنت نیز اباصلت هروی را صدوق، ثقه، عابد، مؤمن، شیخ الشیعه ذکر شده است، (ذهبی، ۱۱، ص ۴۴۶). البته در این میان گروهی دیگر اندکی از اهل سنت، به خاطر شیعه بودن اباصلت هروی، او را رافضی، غیر ثقه و ضعیف دانسته‌اند. (العقیلی، ۱۳۷۱ هـ.ق، ۶، ص ۴۸). در منابع تاریخی و رجالی بیش از بیست نفر از بزرگان اهل سنت مانند: ابراهیم بن اسحاق سراج، ابن خیمه، احمد بن سیار مروزی و دیگر شخصیت‌های ایشان، در محضر اباصلت زانوی تلمذ خم نموده و از محضر ایشان استفاده نموده است. (یوسف مزی، ۱۸، ص ۷۵).

درباره عظمت علمی اباصلت باید گفت: وی در حالی که در طلب علم و دانش و معرفت بود و از خرمن علم و دانش دانشمندان مختلف جهان اسلام خوشه چیده بود و شخصی عالم، فقیه، محقق و حافظ حدیث بود، وقتی با اقیانوس بی‌کران علم امام رضا(ع) مواجه شد، چنان خود را در برابر عظمت امام کوچک احساس نمود که یکباره تمام آموخته‌هایش را به فراموشی سپرد و مانند یک کودک نوآموز برای کسب تحصیل علم در ساحت مقدس رضوی زانو به زمین زد و کمر را برای خدمت‌گذاری افتخاری به آن امام عزیز امکان بست و مراد و مقصود خویش را پیدا نمود، وی در طول سه سال که حضرت در مرو حضور داشت، شب و روز از محضر امام کسب فیض نمود، در نتیجه این تلمذ در زمان خلافت مأمون عباسی و در محضر امام رضا(ع) و در مجالس علمی و مناظرات با فرقه‌های چون: زنادقه، قدریه، جهمیه شرکت داشت و بر آنان پیروز گردید. (خطیب بغدادی، ۱۱ ص ۴۹). آنقدر محرم اسرار امام رضا(ع) بود که تا آخرین لحظات عمر امام رضا(ع) در کنار حضرت بوده. (طوسی، ص ۳۸۰). و فتال نیشابوری در کتاب روضه الواعظین، فصلی را در باب وفات امام رضا(ع) فقط از اباصلت روایت کرده است. (فتال نیشابوری، بی تا، ص ۲۲۹).

وی تألیفاتی داشته است که متأسفانه امروز در دسترس نیست، یکی از تألیفات اباصلت هروری کتاب وفات الرضا(ع) است که در برخی منابع تاریخی و رجالی آمده است. (نجاشی، ص ۲۴۵).

ریان بن صلت هروری

ریان بن صلت هروری یکی دیگر از محدثان و راویان والا مقام شیعه و از اصحاب و یاران امام رضا(ع) امام جواد(ع) و امام هادی(ع) می‌باشد که در منابع رجالی و روایی، ثقه و صدوق معرفی شده است، شیخ طوسی و رجالیون وی را خراسانی الاصل و قمی لقب داده‌اند و به گفته قندوزی در ینابیع الموده و حویزی در تفسیر نورالثقلین که احادیثی را از امام رضا(ع) از زبان اباصلت نقل کرده‌اند وی را هروری لقب داده‌اند. (نجاشی، ص ۱۶۵، طوسی، ص ۳۵۷، قندوزی، ۱۳۷۵ه.ش، ۱، ص ۳۱۳). ریان بن صلت از رجال و نزدیکان مورد اطمینان مأمون و از کارگزاران

فضل بن سهل و حسن بن سهل وزیران مأمون بوده که در نزد آنان منزلت و مقام رفیع داشته و مورد اعتماد آنان بوده است ولی در نهان شیعه و از اصحاب و معتمدین ائمه اطهار(ع) به خصوص امام رضا(ع) بوده که خود همواره مدافع ولایت و امامت و شیعیان آنان در زمان حکومت عباسیان بوده است. (طوسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲، ص ۸۲۴، ابن بابویه صدوق، ۲، ص ۳۳۶). ایشان دارای کتابی است به نام «فرق بین آل و امت» که احادیث، سخنان و مناظرات امام رضا(ع) با مأمون و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان را در آن جمع آوری کرده است. (نجاشی، ص ۱۶۵). ایشان با هوشیاری و زیرکی در فرصت‌های مختلف روایاتی را از زبان خلفای عباسی در مورد اهل بیت(ع) به خصوص حضرت علی(ع) از زبان پیامبر اکرم(ص) مثل حدیث منزلت و حدیث ولایت علی(ع) در روز غدیر خم، بیان کرده است. (ابن بابویه صدوق، ۲، ص ۳۴۵).

علی بن ریان بن صلت هروی و محمد بن ریان بن صلت هروی که همانند پدرشان ریان خراسانی الاصل و هروی می‌باشند، (طوسی، صص ۳۹۱-۳۵۷). شیخ طوسی، علی بن ریان را در زمره اصحاب و شاگردان و وکلای امام هادی و امام حسن عسکری(ع) آورده است که می‌توان وی را از وکلای امام جواد(ع) ذکر نمود. (طوسی، صص ۴۰۰-۳۸۹). او فرد ثقه و معتقد به امامت ائمه اطهار(ع) بوده که از چهار امام معصوم(ع) کسب فیض معرفت و علم نموده و روایت‌های زیادی را نقل نموده است. (کلینی، ۳، ص ۵۶۹).

محمد بن ریان نیز فرد ثقه است که از حضرت امام جواد و امامین عسکریین(ع) کسب حدیث و علم نموده است و از جمله اصحاب و شاگردان آن حضرات معصومین(ع) به شمار می‌آیند. (نجاشی، ص ۳۷۰). آنچه از روایات وی بر می‌آید اینکه محمد بن ریان، دوستدار ائمه اطهار(ع) و قائل به امامت آن امامان معصوم(ع) بوده و همواره در خدمت آن بزرگواران بوده است. (نجاشی، همان).

حسین بن اسکیب یا (اشکیب) مروزی

بالاخره از اصحاب و یاران سرشناس ائمه(ع)، که باعث ترویج و گسترش تشیع در سرزمین

خراسان (افغانستان کنونی) گردید، حسین بن اسکیب یا (اشکیب) مروزی از شخصیت‌های مهم شیعه در سرزمین خراسان «مرو» است. بنا بر نظر مورخان و رجال‌شناسان شیعه، ایشان از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده است. (نجاشی، ص ۴۴). برخی وی را مقیم در سمرقند و کش دانسته است. (نجاشی، ص ۴۵، شماره ۸۸). ولی در بیشتر منابع تاریخی، روائی و رجالی به مروزی معروف است. (سید محسن امین، ۱۴۰۶ق.، ۵، ص ۴۵۸ و حرعاملی، ۱۴۰۹ق. ۳۰، ص ۳۵۰). که احتمال دارد در مرو به دنیا آمده باشد.

همچنین ایشان بعد از امام حسن عسکری (ع) یکی از اصحاب و یاران باوفای امام زمان (عج) در زمان غیبت در حوزه بلخ است که حضرت را نیز ملاقات کرده است. (راوندی، ۱۴۰۹ق.، ۳، ص ۱۲۶). او در سال‌های قبل از ۲۶۴هـ.ق، هنگام که در بلخ اقامت داشته در جلسه مناظره ابوسعید (غانم هندی) مسیحی با علمای اهل سنت شرکت داشته و در فرجام کار، حاکم وقت بلخ (داود بن عباس بن ابی‌سود). (راوندی، همان، ۳، صص ۱۹۸-۱۹۵). به حسین بن اسکیب دستور می‌دهد تا در خفا با ابوسعید هندی سخن گوید و اسلام را به او بشناساند. وی پس از معرفی اسلام، و دیدگاه مذهب تشیع در مورد امامت، او را قانع ساخته و به آئین اسلام و مذهب تشیع رهنمون می‌سازد. (کلینی، ۱، صص ۵۱۷-۵۱۵، شیخ صدوق، ۲، ص ۴۳۷). آنگاه ابوسعید (غانم هندی) به عراق رفت و در آن‌جا موفق شد به خدمت حضرت حجت (عج) برسد. (صدوق، ۱۳۹۵، ۲، صص ۴۹۷-۴۹۶، موسوی خویی، ۱۳، ص ۲۲۴).

حسین بن اسکیب با مهاجرت در اطراف و اکناف سرزمین خراسان موجب گسترش اسلام و تشیع گردیده، چنان‌چه مقطعی از عمر خویش، در سمرقند و در شهر «کش» گذرانده و در آن سرزمین از چهره‌های صاحب آوازه و دارای نام و نشان بوده و در مقام استادی علم حدیث و فقه قرار داشته است؛ به طوری که گروهی از محدثان آن سامان از فضل و دانش او بهره می‌بردند. (نجاشی، ص ۴۴ و طوسی، ص ۳۹۸).

از جمله شاگردان معروف و سرشناس حسین بن اسکیب، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، معروف به کشی که از چهره‌های معروف شیعه در ماوراءالنهر و خراسان بوده است. ایشان نیز صاحب یکی از بزرگ‌ترین تألیفات دانش رجال، به نام «معرفة احوال الرجال» است. او با پدید آوردن این

اثر جاودانه، خدمت بسزایی به جهان تشیع بلکه عالم اسلام نمود. (شیخ عباس قمی، ۲، ص ۴۹۱). محمد بن عمر بن عبدالعزیز؛ همانند استادش حسن بن اسکیب نه تنها در راه نشر و گسترش آثار اهل بیت(ع) از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرد، بلکه تمام ثروت خویش را - که از پدرش به ارث برده بود و به سیصد هزار دینار می‌رسید - در راه این هدف ارزنده صرف کرد. می‌گویند: خانه‌اش همانند پژوهشکده‌ای بود که دین پژوهان و محدثان شیعه، در آن‌جا به تحقیق، بررسی، نگارش و گردآوری اخبار اهل بیت(ع) اشتغال داشتند. (شیخ عباس قمی، ۲، صص ۴۹۰ و ۴۹۱). همچنین از شاگردان حسین بن اسکیب مروزی؛ محمد بن یعقوب کلینی؛ از شخصیت‌های علمی و حدیثی شیعیان، مؤلف کتاب گرانسنگ «الکافی»، یکی از کتاب‌های چهارگانه حدیث شیعه، دانسته شده است و ایشان نیز مدتی محضر حسین بن اسکیب تلمذ نموده است. (شیخ موسی زنجانی، ۱۳۹۴ق. ۱، ص ۵۸۲).

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، نقش اصحاب یاران امامان معصوم(ع) در نفوذ، رشد و گسترش تشیع در حوزه خراسان به خوبی آشکار می‌شود، که فقط به عنوان نمونه به تعداد اندکی از افراد سرشناس از زمره یاران و اصحاب خاص ائمه(ع) اشاره کردیم، افراد زیادی از سرزمین خراسان و از اصحاب و یاران ائمه(ع) بودند که نام بردن تک‌تک آنان باعث طولانی شدن بحث می‌شود و خودش نیاز به کار مستقل در این باب است، افزون بر افرادی که از نام و نشان خاصی در زمره‌ی یاران و شاگردان ائمه(ع) بوده‌اند، در منابع حدیثی و تاریخی فریقین می‌توان نام ده‌ها تن از مردمان عالم، فقیه و محدث دست یافت که با پسوند «خراسانی» «سیستانی»، «رخجی»، «زابلی»، «کابلی»، «هروی» و... نام برد و البته چه بسا برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که چه بسیار افرادی مخفیانه و با تقیه جزء اصحاب ائمه(ع) بوده که در تاریخ نام‌شان ثبت نشده است، گاه گروهی از شیعیان خراسان به صورت دسته جمعی خدمت امام می‌رسیده و کسب فیض می‌کرده‌اند، چنان‌که کلینی از آمدن گروهی از مردم سیستان نزد امام صادق(ع) خبر می‌دهد که از آن حضرت سؤالات فقهی خود را می‌پرسیدند. (کلینی، ۵، ص ۲۵۳). و یا وجوهات شرعی که از مناطق

مختلف خراسان به دست ائمه هدی (ع) می‌رسید نشانگر گسترش و محبوبیت تشیع و همچنین حضور اصحاب و یاران ائمه (ع) در خراسان است، مثلاً گروهی خراسانی نزد امام رضا (ع) آمدند و طلب بخشش خمس را داشتند. (طوسی، ۱۳۹۰ ش، ۲، ص ۶۰)

این بود که عده‌ای از افراد به سرعت مسیر مستقیم تشیع را در پیش گرفتند، ائمه (ع) را یافتند و از آنان تعالیم شیعه را آموخته، به شهرها و روستاهای خود بازگشتند. اینان نقش مهمی در تشخیص حق از باطل برای دیگران داشتند و به عنوان حامیان اهل بیت (ع)، پشتیبان اسلام ناب محمدی (ص) شدند و بنابر گفته مؤلف احسن التقاسیم: «به هنگام خروج مهدی نیز از مردم خراسان همین توقع بیشتر هست. اینان دولتمردان پیروزمندند و یارای حق، هر جا که باشد.» (مقدسی، ۱۳۶۱ ه. ش، ۲، ص ۴۲۷)

حتی در احادیثی که از اهل بیت (ع) در مورد وقایع آخرالزمان آمده است، در مورد قیامی سخن گفته شده که از خراسان و با رهبری سیدی خراسانی در مقابل ظلم و ستم سفیانی و یاری فرزندی از نسل علی (ع) و فاطمه (س)، امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) صورت می‌گیرد. (نعمانی، بی تا، ص ۳۰۳ و ۳۳۰) و بر اساس قول پیامبر اکرم (ص) که علی (ع) املاء فرمودند، اکثریت یاران امام زمان (عج) از سرزمین خراسان و از شهرهای چون: طالقان، طوس، مرو، فاریاب، جبال غور، نیشابور و سیستان است. (ابن طاووس، چاپ اول ۱۴۰۰ ه. ق، صص ۲۰۲-۲۰۰). که این مسائل نشان‌دهنده حضور شیعیان خراسان در تمام مقاطع تاریخی و روحیه قیام و ظلم‌ستیزی این مردم تا آخرالزمان است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی الفتح، ابوالحسن علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفة الائمه*، بیروت، دار الاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۵.ق.

ابن اثیر جزری، علی بن محمد عزالدین، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹..

ابن بابویه صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، قم، مکتبه الحیدریه.

ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳.ق.

ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵

ابن جریر طبری، محمد، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷.ه.ق.

ابن حاتم رازی، عبدالرحمن، *الجرح والتعدیل*، بیروت، داراحیاء، ۱۳۷۱.ق.

ابن خاوندشاه بلخی میرخواوند، محمد، *روضه الصفاء فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء*، تلخیص عباس زریاب، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۸۵.ه.ش.

ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۹۸۸.م.

ابن خلکان البرمکی الإربلی، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی بکر، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، تحقیق: إحسان عباس، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۷۱.م.

ابن رستم طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، قم، انتشارات دارالذخائر للمطبوعات، ۱۳۸۳.ه.ش،

ابن سعد، *طبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، ابی جعفر محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، بیروت، دار الاضواء، چاپ دوم ۱۴۱۲.ق.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح، شرح ومقابله لجنه من اساتذه النجف الاشرف، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ه.ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن، یافتنه‌ها وآشوب های آخرالزمان، مترجم: محمدجواد نجفی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۰۰ه.ق.
- ابن عثمان، ابی عبدالله محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ه.ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، انتشارت مرتضویه، ۱۳۵۶ه.ق.
- ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن ندیم، الفهرست، تعلیقه: شیخ ابراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول ۱۴۱۵ه.ق.
- ابن هلال ثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۱ه.ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م.
- اصفهانى، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، لبنان - بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات . چاپ سوم ۱۴۱۹ه.ق.
- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت؛ دارالتعارف للمطبوعات؛ ۱۴۰۶ق.
- تهرانى، شیخ آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ایران، قم، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة تهران، سال انتشار: ۱۴۰۸ق.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، تحقیق وتصحیح: جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول ۱۳۹۵ه.ق،
- جبارى، محمد رضا، سازمان وکالت ونقش آن در عصر ائمه، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
- حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم ۱۳۶۳ه.ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

- الحموی الرومی ، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم الأدباء = إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- خزرجی، احمد بن عبدالله خلاصه تهذیب الکمال، تحقیق: عبدالفتاح ابوغده، حلب، دارالبشائر الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارکتب العربی، چاپ دوم ۱۹۹۳ م.
- ذهبی، شمس الدین عبدالله محمد بن احمد، العبر فی خبر من غیر، تحقیق: ابوهاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الارناؤوط، محمدنعیم العرقسوس، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ ه.ق.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، تحقیق و تصحیح: قم، مؤسسه الإمام المهدی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- روضاتی، محمدعلی، جامع الانساب در انساب و احوال اعقاب ائمه، تهران، کتابخانه شمس، ۱۳۰۹ ه.ق.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۶ م.
- زنجانی، شیخ موسی، الجامع فی الرجال، قم، پیروز، ۱۳۹۴ ق.
- شمس الدین ابو عبدالله، محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵ م.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ه.ش.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، مقدمه آیت الله مرعشی نجفی، انتشارات مؤسسه الأعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- صفار، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد، تحقیق: میرزا محسن کوجه باغی، تهران، مؤسسه اعلمی، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ضعفاء العقیلبی، محمد بن عمر، بیروت، دارالفکر العلمی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، (کشی) قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، با مقدمه و تحقیق: حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۸ه.ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، مؤسسه نشر الفقه، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد حسن، الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ش.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، قم، منظر الاوقاف والون الخیری، ۱۳۷۵ه.ش.
- کشی، محمد بن عمر، رجال «اختیار معرفه الرجال» (مع تعلیقات میر داماد الأستریادی)، تحقیق و مصحیح: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم ۱۴۰۷ه.ق.
- مالکی، علی بن محمد ابن صباغ، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائم، تهران، انتشارات اعلمی، چاپ اول ۱۳۷۵ه.ش.
- مزی یوسف، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق: ابوعبدالرحمن عادل بن محمد، نشر الفاروق الحدیثه للطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۴۲۲ه.ق.
- مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۰ه.ق.
- مسعودی، ابوالحسن علی، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید ۱۴۱۳ق.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱ه.ش.
- موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ه.ق.

موسوی خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ق.
نسفی، عمر بن محمد، القند فی ذکر علماء سمرقند، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول،
۱۴۲۰ه.ق.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه عبدالرسول هاشمیان، نشر آرموس، قم، بی تا.
نمازی شاهرودی، محمد، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، انتشارات حیدری، چاپ
اول ۱۴۱۴ه.ق.

نیشابوری، فتال، روضه الواعظین، تحقیق و مقدمه: سید محمد مهدی، سید محمد الخراسان، قم،
منشورات الرضی، بی تا.

واعظ بلخی، عبدالله بن عمر بن محمد بن داود، فضائل بلخ، مترجم: عبدالله بن
محمد حسینی بلخی، تصحیح وحاشیه: عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران،
۱۳۵۰ه.ش.